



مقدس

Holy Cast

مقدس

علی اصغر سیاحت هویدا

راهبردهای انیمیشن انقلاب اسلامی

۱. مقدمه

دغدغه‌های ساختاری یک جامعه باعث تغییر کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در گستره یک جامعه می‌شود، حال زمانی که خواسته‌های یک تغییر ساختار به معنای انقلاب، مبانی فرهنگی داشته باشد، بایستی آگاه‌سازی‌های متناسب با آن را نیز در متن مردم انجام داد و این اتفاق سرمنشأ حُسن یا قبح آن حرکت مردمی می‌شود؛ یعنی این که انقلابیون پایبند به اصول فکری آن جریان وقتی ادامه مسیر را همراهی می‌کنند که توطئه‌های روانی و اتفاق‌های گوناگون، او را گمراه نکند و الا تجدیدنظر طلب می‌شود و اندک‌اندک به آغوش دشمن می‌رود؛ به سان همان فردی که پس از خواندن کتاب انقلاب هانا آرنهت اعتراف می‌کند که چه اشتباهی کردیم انقلاب نمودیم!

وقتی نسل اول انقلاب ماموریت خویش را به نسل بعدی انتقال می‌دهد و آرام‌آرام نسلی نو در مسیر حرکت جریان‌سازی وارد می‌شود و از سوی دیگر،

دشمنان این حرکت با سیاست‌سازی و برنامه‌ریزی مناسب به دنبال تغییر افکار عمومی جامعه هدف برمی‌آیند، راهی نمی‌ماند جز این که تغییر ساختاری در شیوه اجرا را آغاز کنیم و کمی به شیوه حرکتان رنگ نو بدهیم تا بتوانیم نسل جدید در گیر با این موضوع را به سمت انقلاب هدایت کنیم. برای نمونه، «العربیة» شبکه عربی وابسته به عربستان و کویت در شایعه‌سازی استراتژیک بسیار موفق عمل کرده است و از این رو عربستان برای مقابله و جنگ روانی با ایران بخش فارسی این شبکه را افتتاح کرد. شبکه‌های بسیار دیگری هستند که این کار را انجام داده و شبکه فارسی‌زبان تاسیس کرده‌اند، اما نکته جالب روند انیمیشن‌سازی شبکه‌های سیاسی است. برای نمونه، شبکه من و تو با برنامه شبکه نیم ساعی در جان‌سپین‌سازی مفهوم بی‌لیاقت در ذهن نوجوانان و قشر مردم در مقابل کلمه مسؤولین انقلاب اسلامی دارد. این اتفاق در دیگر شبکه‌های مخالفان انقلاب اسلامی هم مشهود است.



۲. انیمیشن

فرصت تحلیل واژه‌ها هنگامی از انسان گرفته می‌شود که براساس تعابیر زشت و بی‌مفهوم از آن یاد شود و به‌سان ذکر در دست کودکی بازیگوش مدام تکرار شود و آن گاه است که از کاربرد واقعی خویش باز می‌ماند و در تکاپوی فهمیدن و فهماندن به انسان‌ها امری بی‌فایده خواهد بود؛ چرا که پیش‌قضاوت در آن امور دیگر اجازه نمی‌دهد تا واقعیت امر را بفهمیم. اصولاً رسانه برای این امر ظاهر شده است تا سعی نماید یک پیش‌قضاوتی به انسان بدهد یا این که قضاوت‌ها را اصلاح نماید و دیگران را به اشتباه خویش باورمند سازد اما اگر رسانه‌ها صرفاً برای پرکردن اوقات فراغت ثروتمندان و افراد دارا اقدام کنند و همیشه تمام برنامه‌های خود را بر اساس قشر تحصیل کرده جامعه برنامه‌ریزی کنند، از رسانه دینی و اسلامی بودن بسیار دور گشته‌اند. رسانه‌ها باید همه مردم را مخلوق خدا و مستحق هدایت و یاری بدانند و در این صورت به آن که مستحق‌تر است کمک بیش‌تری کنند. (یوسف زاد، ۱۳۹۴، ۴۰۸)

اما نکته دیگر آن‌جاست که بدانیم در هالیوود صبح‌ها دو سؤال را بیش‌تر از همه می‌شنیدید: دیشب با کسی بودی؟ چقدر باختی؟ کم پیش می‌آمد که یهودیان هالیوود، الکلی یا معتاد به مواد مخدر شوند که در دهه ۱۹۳۰ آسان در دسترس بودند. البته زن‌باره بودند اما زنان در واقع سرگرمی بودند و به استعاره قدرت بدل شده بودند. یهودیان هالیوود اهل گناهی دیگر بودند، استعاره‌ای که اعتیاد شد. آن‌ها عاشق شرط‌بندی بودند. (گابلر، ۱۳۵۸، ۱۳۹۱)

حال با توجه به این توصیف از شرایط حرفه‌ای‌ترین سازندگان فیلم‌ها و انیمیشن‌ها در سطح دنیا مشخص می‌شود که تفکر بنیادین این نحله بی‌قیدوبندی است و دیگر لازم به توصیف نیست که محتوای سینمایی غرب به کدام سمت و برای چه تمایلی ساخته می‌شود.

اما انقلاب اسلامی با توجه به تفکر دینی و معتقد به نگاه عقل و قلب باید در کدام نقشه راه طی طریق کند تا به سرمتمزل مقصود برسد؟ نکته‌ای که سینماگران جوان و باتجربه باید بدان توجه کنند تا در صورت موفقیت در تهیه شرایط فرم، محتوای مورد نیاز را نیز تهیه کنند تا به اشتباه نروند.

۳. انیمیشن پیش از انقلاب اسلامی

رسانه در گذشته به دلیل اوضاع اجتماعی جهان و تجربیات جنگ سرد شوروی و آمریکا اهمیت چندانی نداشت؛ از این رو این که تصمیم به اجرای کار تخصصی در حوزه کودک گرفته شود، شاید اهمیت نداشت. این گونه گفته می‌شود که همایون نادری و کامبیز اکبری در نقش‌های هامی و کامی، بزرگ‌ترین مجموعه رنگی تلویزیون ویژه کودکان، اولیا و مربیان در یک‌صد و چهار ساعت برنامه ساخته شد؛ در این مجموعه بی‌هنرپیشه، مربیان و قهرمانان واقعی میهن ما در نقش مربیان و قهرمانان، استادان و معلمان در نقش استادان و معلمان، و متخصصان رشته‌های مختلف در نقش متخصصان ظاهر می‌شوند؛ با همکاری گسترده تلویزیون ملی ایران، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و هنر، وزارت آموزش عالی و دهها موسسه دولتی و غیردولتی دیگر در تشکیلات عظیمی به نام "طرح تجربی بزرگ".

وقتی این کار تولیدی ویژه کودکان مشاهده می‌شود شاید شیوه تربیت آن دوران برای انسان تداعی شود ولی باز هم اثری از انیمیشن نیست.

۴. انیمیشن پس از انقلاب اسلامی ایران

وقتی آثار کارگردان برجسته فیلم پرنس مصر یعنی اسپیلیبرگ را مشاهده می‌کنیم، روند محسوس از تغییر در ساختار فیلم‌سازی این شخص پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن مشاهده می‌شود. به‌واقع پس از انقلاب اسلامی، محوریت ساختاری فیلم‌های این کارگردان بزرگ درباره تهدیدی بزرگی است که زمین را به مخاطره انداخته است. این روند در هالیوود آغاز شد و پس از دوران‌های متمادی و حضور اتاق فکرهای گوناگون، بر اساس شواهد گوناگون به دنبال تاثیرگذاری بر مردم ایران هستند که به بیان دیگر، نبرد برای تسخیر قلب‌ها و مغزها استراتژی بزرگ این حرکت فرهنگی، سیاسی است.

اما پس از انقلاب، به دلایلی روند ساختار انیمیشن‌های انقلابی با تاخیر بسیاری آغاز شد؛ بدین معنا که کمیت بر کیفیت پیشی گرفت و انگیزه کافی برای پرورش نیروهای انقلابی در ساختار انیمیشن‌سازی کشور مشاهده نمی‌شد؛ از این رو مجموعه‌های گوناگون فرهنگی راه‌های دیگری را غیر از رسانه برای تربیت نیروهای خویش پیش می‌گرفتند که بر اساس میزان تلاش و مشاهده راندمان نمی‌توان نتیجه مطلوبی را برای این مساله بیان کرد.

اما به مرور زمان و با ایجاد سازمان‌های همسو با اندیشه‌های انقلابی از جمله حوزه هنری اثری در راستای تفکر انقلابی، به‌روز و بر اساس خطمشی امروز انقلاب اسلامی ساخته شد. آغاز کار جدی با آثار مؤسسه فرهنگی فاطمه‌الزهرای بود که دو انیمیشن نبرد خلیج فارس و پیام راشل کوری تاثیرات جدی بر روند ساخت فیلم‌های انیمیشن گذاشت، هر چند در این میان از نقش تاثیرگذار جشنواره عمار و برخی انیمیشن‌ها از جمله زیرزمین کاخ سفید نمی‌توان غافل شد.

۵. آسیب‌شناسی انیمیشن انقلاب اسلامی

آن‌چه در قالب آسیب‌شناسی بایستی بدان پرداخت، هم نقاط قوت و فرصت‌های موجود است و هم نگرشی بر ضعف‌ها و تهدیدهای این محور؛ بنابراین در جمع‌بندی میان این چهار موضوع محوری بایستی به یک نتیجه کلی رسید و آن این است که انیمیشن انقلاب اسلامی با صلابت به سمت جلو حرکت کند و بر درست هزینه کردن بودجه بیت‌المال نظارت شود. اما زمانی که اثر فاخر و قابل تقدیر تولید می‌شود، کافی است به جای سرزنش و دل‌سرد کردن کارگردان اثر، کمی به جلو نگاه کرد.

۵-۱- اسطوره‌گرایی

واژه افسانه (Legendes) شاید بیش‌تر به تاریخ یا سرگذشتی اولیه ارجاع دهد. درباره زئوس و آفرودیت، اساطیری وجود دارد. درباب اشخاصی چون تزهوا و ادیپ، افسانه‌هایی بافته شده که در آن‌ها این افراد قهرمانان یا شخصیت‌هایی متعلق به فرهنگی خاص، تلقی می‌شوند و تصور بر این است که بازماندگان‌شان، تا هنگامی که آن فرهنگ و افسانه هنوز با هم پیوند داشته باشند، وجود دارند. بنابراین افسانه، صورت ابتدایی و لغزنده سنت (Tradition) پیش از احساس نیازمندی به داستانی است که بررسی حوادث واقعی تصور می‌شود.

البته تعیین مرز افسانه و اسطوره امکان‌پذیر نیست؛ چون هر دو نمایش‌گر نوعی حکایت بگانه‌اند. قصه‌های عامیانه و مردمی نیز از لحاظ ساختار، حکایت‌هایی مشابه اساطیر و حتی عین اساطیرند؛ و به نظر می‌رسد تفاوت



بالایی می‌طلبید تا کمی تنوع، خلاقیت و محتوا به شیوه بیان قهرمان در آثار انیمیشن داده شود و مبادا دچار روزمرگی موجود در ساختار فیلم‌های سفارشی دفاع مقدس شویم.

۳-۵- نشانه شناسی

فهرست مقدس با رویکرد قرآنی خویش گامی رو به جلو در تصویرسازی نمادین مظاهر خیر و شر برداشته است، درست است که بر ضعف فیلمنامه انتقاد وارد است ولی در حوزه نماد و نشانه‌های ساختاری اثر گام مثبتی برداشته شده است. کارگردان این اثر درباره این انیمیشن گفته بود: «در فیلم کدهایی وجود دارد که برای یک مخاطب بین‌المللی تیزبین قابل لمس است. ما برای این که بتوانیم مخاطب بین‌المللی داشته باشیم مجبور بودیم مدیوم مناسب را استفاده کنیم. این مدیوم بر روی دو ریل شکل گرفت؛ اول ریل واقعه تاریخی بود و دوم ریل دراماتیزه داستان که در نهایت این دو ریل در انتهای داستان به هم می‌رسند. در حقیقت در انتهای داستان این کدها رمزگشایی می‌شود و حقیقت موضوع برای مخاطب مشخص می‌شود. ما علاوه بر این که اشاره‌ای به این واقعه تاریخی در قرآن داشته‌ایم، دنبال هدفمان نیز هستیم که امیدواریم این هدف در اختیار هدف اصلی قرار گرفته باشد.»^۱

فهرست مقدس، فیلمی قهرمان‌محور با ساختار کلاسیک است که «هاران» قهرمان فیلم آن را روایت می‌کند. شخصیت‌های این انیمیشن که موجوداتی میان انسان و حیوان هستند با شخصیت‌پردازی و کاراکترهای ملموس، بیان‌کننده داستانی تاریخی هستند که آیاتی از سوره عروج آن را بازگو می‌کنند. این فیلم، روایت اولین هولوکاست تاریخ است که به دست ربیبان یهودی صورت گرفته و سران این قوم، نصرانی‌هایی را که به نام نوکیشان دست از دین آبا و اجدادیشان کشیده و به آیین نصرانی درآمده‌اند، در دره ای موسوم به اخود به آتش کشیده‌اند.

۴-۵- باور به متعلقات ایمان

متعلقات ایمان دارای هفت بخش است: ایمان به خدا، پیامبران خدا، ملائکه، کتاب الهی، معاد، غیب، قیامت و آیات الهی. با توجه به نشانه‌گیری متعلقات ایمان در فیلم‌ها و انیمیشن‌های ساخت هالیوود به‌ویژه با حمله به منجی موعود مسلمانان که در بسیاری از فیلم‌ها به عنوان منبع شر معرفی می‌شود، به عنوان مثال در انیمیشن آخرین بادافزار منجی آسمانی کسی نیست بلکه در زیرزمین یخ‌زده و آماده می‌شود تا در روز موعود برانگیخته شود و این روز موعود بر اساس یک اتفاق روی می‌دهد و هیچ پیش‌زمینه‌ای نیاز ندارد، آواتاریسم ایدئولوژی جدیدی است که جانشین ایدئولوژی‌های دیگر می‌شود و گردی بر باورمندی به حقیقت مهدویت می‌پاشد، حال زمانی که بخواهیم در سطح انیمیشن آواتار در

عمده آن‌ها در این است که قصه عامیانه فاقد جنبه جدی خاصی است که مشخصه اسطوره است؛ بنابراین قصه عامیانه حتی اگر سنتی باشد و به معنای لفظی نیز تعبیر شود، باز عنصری اساسی در سنت و اعتقاد مذهبی نیست. اما اسطوره و قصه عامیانه و افسانه، مجموعه یا کل واحدی تشکیل می‌دهند و هر یک از آن مقولات که مورد بررسی قرار گیرد دو مقوله دیگر نیز مشمول همان اصول می‌شوند. (آتشین، سایت پژوه، ۱۳۹۳)

حال جای این نکته باقی است که آیا اسطوره در نگاه دینی جایگاهی دارد و می‌توان آن را تعریف بومی کرد و یا این که بایستی به همان داستان آمیخته با دروغ نگرش فلسفه غرب بسنده کرد؟ اما به هر حال یکی از نقاط ضعف انیمیشن ما نپرداختن به اسطوره‌هایی است که در شاهنامه فردوسی و آثار جدی بزرگان این کشور آورده شده که البته گاهی چالشی جدی با تئوری غربی پدید می‌آورد؛ چرا که ما این زد و خورد را در برخی آثار شاهنامه با ایلپاد و ادیسه هومر مشاهده می‌کنیم که برای نمونه، چشم اسفندیار و پاشنه آشیل است.

در واقع جنبه اسفندیار در کدام طرف است و به عنوان نمادی از آن گفتمان آیا الگوی مناسبی است و در سوی دیگر آشیل را نیز به همین ترتیب می‌توان مورد گفت‌وگو قرار داد.

۵-۲- قهرمان گرایی

از جمله آفتهای سینمای ایران، اروپایی شدن آثار سینمایی است، به گونه‌ای که کارگردان ایرانی، نامی فرانسوی برای فیلم خویش برمی‌گزیند و گاه آن قدر پارافرات می‌گذارد که اصولاً فیلمش را در فرانسه می‌سازد و نیم از عوامل و بازیگران، فرانسوی هستند. این نگاه و نوع روایت، داستانی بدون قهرمان را می‌سازد و فیلم نود دقیقه‌ای با تمام فراز و نشیب دنیایی را نشان می‌دهد که پر از ناامیدی، فریب، نیرنگ، تجاوز و دروغ است ولی اثری از فردای روشن برای انسان امروز نیست؛ گویی خرابه‌ای است که هیچ‌گاه ساخته نمی‌شود و کارگردان از بیننده اثر می‌خواهد که او هم لگدی بر این جنازه ساخته و پرداخته بر روی زمین بزند! طبیعی است دنیای افسرده سینمای ایران نتیجه‌ای جز مردم افسرده نخواهد داشت.

اگر اندکی به مردعنکبوتی و بت‌من نگاه کنیم، متوجه هیمنه باورنکردنی و قدرت ستودنی نیروهای آمریکایی می‌شویم، انسان آمریکایی اصولاً فردی سرزنده و شاداب و با وجود مشکلات بسیار، استوار و سخت‌کوش است ولی اگر اندکی به سینمای ایران نگاه کنیم، متوجه مرزهای بی‌هویتی و انسان‌های می‌شویم که راز و رمز گونه زیستن را نیاموخته‌اند و زنده‌اند برای این که زنده‌اند!

به این مساله در انیمیشن‌های انقلابی به خوبی پرداخته شده است و این نقطه قوت به کاری مربوط می‌شود که اصلاً نشده است. بنابراین همت





به جای شعبه‌شعبه نمودن فعالیت‌های عناصر انقلابی، آن را در دو تا سه نهاد تهیه و ساخت انیمیشن متمرکز کنند. البته این سخن شاید کمی آرمانی به نظر آید و صدالبته به بیان برخی نشدنی است ولی وقتی در این کشور از هیچ موشک می‌سازند و در تحریریه انرژي هسته‌ای را علم می‌کنند، یعنی این سخنان بهانه است؛ به شرط این که نفوذ در شریان‌های اداری وزارت علوم، وزارت ارشاد و نهادهای ذی‌ربط تزریق نشده باشد و به جوان انقلابی بها داده شود. خوب است هزینه‌های کلان بابت فیلم‌های ابزود^۲ در سینمای ایران را گاهی در آزمون و خطای ساخت آثار انقلابی هم تجربه کنیم.

نکته مهم این جاست که به جای التماس از کارگردانان امروزی برای ساخت اثری فاخر -منتهای بزرگانی که خود در این زمینه آثار خوبی دارند- بایستی به تربیت نیرو پرداخت و تلاش کرد تا کارگردان عالی و درجه یک پرورش داد. کمی دقت کنیم، زمانی که کارگردان و هنرمند وطن نشان لژیون دونور از سفارت فرانسه می‌گیرد یا سیاستمداری که زیر پای مجسمه فلان سردار رومی به مذاکره می‌نشیند، کارگردانی که از کوبیت بابت ساخت اثر پول دریافت می‌کند، دفاع مقدس همان جنگی که به ما تحمیل شد و تنها جنگی بود که یک وجب از خاک سرزمین را ندادیم و سازنده‌ای که این نبرد را «جنگی که هیچ مفهومی نداشت» باور دارد، خواننده‌ای که به رسم سخن، اسلام را در مقابل موسیقی قرار می‌دهد و با طعنه و کنایه سخن می‌گوید؛ آن‌گاه حق این است که تلاش برای تولید نیرو بهتر از زور و اصرار و التماس برای هنرمند خودفروخته امروز باشد.

منابع

۱. فرج نژاد، محمدحسین، اسطوره‌های صهیونیستی در سینما، نشر هلال، ۱۳۸۸، چاپ اول
۲. یوسف زاده، حسین و همکاران ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی، موسسه امام خمینی، ۱۳۹۴، چاپ اول
۳. گابلر، نیل، امپراتوری هالیوود (مروری بر زندگی خالقان یهودی در سینما)، ترجمه الهام شوشتری، انتشارات عابد، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۴. امین خندقی، جواد، دین و سینما، گزاره‌های اعتقادی، انتشارات موسسه ولاء منتظر، چاپ اول، ۱۳۹۱
۵. بکرمن، هوارده، همه چیز درباره انیمیشن، مترجمان فرناز خوشبخت و مریم کشکولی نیا، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۹۰

پی‌نوشت‌ها:

1. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/11/21/996605>.

۲. مزخرف گو.

زمین انقلاب اسلامی بگردیم، تنها به شاهزاده روم برمی‌خوریم. این انیمیشن تنها روایت تاریخی زیبا درباره مادر امام زمان (عج) و باور به وجود و حضور ایشان است؛ چرا که هم‌اکنون هم برخی مسلمانان و عده اندکی از شیعیان غیرامامیه معتقدند امام حسن عسگری صاحب فرزندی نشده است و ایشان هنگام شهادت فرزندی نداشتند. به‌واقع با وجود نقاط مثبت این انیمیشن، بایستی اذعان کرد که در سطح و در ردیف این انیمیشن‌ها همچون کنترل‌کننده باد و یا ایکس من، سال ۲۰۱۶ درباره آخرالزمان هنوز هیچ اثری حتی در حد و اندازه‌های ملک سلیمان نیز ساخته نشده است.

اگر بحث بر سر منجی‌گرایی در سینمای غرب و موعود مسلمانان در هالیوود بود، می‌توانستیم آثار بسیار ارزشمندی را نام ببریم ولی امروز در این دسته از فیلم‌های منجی‌گرایانه در سینمای انقلاب اسلامی شاید به عدد انگشتان یک دست هم نرسد.

۵-۵- نگاه معنویت محور

سال‌هاست بشر به این نتیجه رسیده است که بدون دین نمی‌توان زندگی کرد و مردم لاجرم به دنبال دینی خواهند رفت و این جزء لاینفک فطرت انسان است، از این‌رو از هم‌اکنون می‌خ را محکم می‌کوبند تا در آینده دچار اشکال اساسی نشوند و موجی از اسلام‌گرایی در کشورهای اروپایی آغاز نشود بلکه حتی از سوی کشورهای اسلامی نیز به سمت جهان‌دینی مدنظر حرکت کنند؛ در این راستا بودای مقدس محور قهرمان داستان می‌شود. برخی انیمیشن‌های مطرح همچون ایکوسان، آخرین کنترل‌کننده باد، پاندای کونگفو کار و ... همه با یک معنویت تبتی مواجه می‌شوند که در این انیمیشن‌ها بسیار زیبا در جست‌وجوی تخلیه خویش و رسیدن به چیتای ایده‌آل هستند.

حال در این سوی میدان اثر فاخر در حوزه معنویت دینی اسلامی چه چیزی مشاهده می‌شود؟ تقویت روحیه قهرمانی و عرق به وطن و دین بسیار ستودنی است، اما این‌ها در ردیف اسلام قرار می‌گیرد، چه کمکی به مؤمن شدن فرد می‌کند؟ این همه تلاش با وجود ظرفیت‌ها و بودجه‌ها، تولید چند فیلم‌نامه دینی را به دنبال داشته است؟

فرجام سخن

لازم است تربیت نیروهای ارزشی و انقلابی به صورت تشکیلاتی باشد. ما هنگامی توان ساخت انیمیشن باکیفیت بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی و دارای معدل بالای جهانی را خواهیم داشت که دست از جنگ‌های زرگری برداریم و مسؤولان در قسمت بالایی و خادمان فعال در این عرصه در بخش میانی، به جای پای‌گیری به دست‌گیری بپردازند و

از جمله آفت‌های سینمای ایران، اروپایی شدن آثار سینمایی است. به گونه‌ای که کارگردان ایرانی، نامی فرانسوی برای فیلم خویش برمی‌گزیند و گاه آن قدر پارا فراتر می‌گذارد که اصولاً فیلمش را در فرانسه می‌سازد و نیم از عوامل و بازیگران، فرانسوی هستند.